كتاب عهدى-مجموعه اى از الواح جمال اقدس ابهى (كه بعد از كتاب اقدس نازل شده)

حضرت بهاءالله

نسخه اصل فارسی



اگر افق اعلی از زخرف دنيا خالی است و لکن در خزائن توکّل و تفويض از برای ورّاث ميراث مرغوب لا عدل له گذاشتيم گنج نگذاشتيم و بر رنج نيفزوديم ايم اللّه در ثروت خوف مستور و خطر مکنون انظروا ثمّ اذکروا مَا أَنْزَلَهُ الرّحمن فی الفرقان: ﴿وَيْلٌ لِکُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالاً وَ عَدَّدَهُ﴾ ثروت عالم را وفائی نه آنچه را فنا اخذ نمايد و تغيير پذيرد لايق اعتنا نبوده و نيست مگر علی قدر معلوم مقصود اين مظلوم از حمل شدائد و بلايا و انزال آيات و اظهار بيّنات اخماد نار ضغينه و بغضا بوده که شايد آفاق افئده اهل عالم بنور اتّفاق منوّر گردد و بآسايش حقيقی فائز و از افق لوح الهی نيّر اين بيان لائح و مشرق بايد کل بآن ناظر باشند ای اهل عالم شما را وصيّت مينمايم بآنچه سبب ارتفاع مقامات شمااست بتقوی اللّه تمسّک نمائيد و بذيل معروف تشبّث کنيد براستی ميگويم لسان از برای ذکر خير است او را بگفتار زشت ميالائيد عَفَا اللّهُ عَمَّا سَلَف از بعد بايد کل بما ينبغی تکلّم نمايند از لعن و طعن و ما يتکدّر به الإنسان اجتناب نمايند مقام انسان بزرگ کست چندی قبل اينکلمه عليا از مخزن قلم ابهی ظاهر امروز روزيست بزرگ و مبارک آنچه در انسان مستور بوده امروز ظاهر شده و ميشود مقام انسان بزرگست اگر بحقّ و راستی تمسّک نمايد و بر امر ثابت و راسخ باشد انسان حقيقی بمثابه آسمان لدی الرّحمن مشهود شمس و قمر سمع و بصر و انجم او اخلاق منيره مضيئه مقامش اعلی المقام و آثارش مربّی امکان هر مقبلی اليوم عرف قميص را يافت و بقلب طاهر بافق اعلی توجّه نمود او از اهل بها در صحيفه حمراء مذکور خذ قدح عنايتی باسمی ثمّ اشرب منه بذکري العزيز البديع ای اهل عالم مذهب الهی از برای محبّت و اتّحاد است او را سبب عداوت و اختلاف منمائيد نزد صاحبان بصر و اهل منظر اکبر آنچه سبب حفظ و علّت راحت و آسايش عباد است از قلم اعلی نازل شده و لکن جهّال ارض چون مربّای نفس و هوسند از حکمتهای بالغه حکيم حقيقی غافلند و بظنون و اوهام ناطق و عامل يا اولياء اللّه و امنائه ملوک مظاهر قدرت و مطالع عزّت و ثروت حقّند در باره ايشان دعا کنيد حکومت ارض بآن نفوس عنايت شد و قلوب را از برای خود مقرّر داشت نزاع و جدال را نهی فرمود نهيا عظيما فی الکتاب هذا أمر اللّه فی هذا الظّهور الأعظم و عصمه من حکم المحو و زيّنه بطراز الإثبات إنّه هو العليم الحکيم مظاهر حکم و مطالع امر که بطراز عدل و انصاف مزيّنند بر کل اعانت آن نفوس لازم طوبی للأمراء و العلماء فی البهآء أولئک أمنائی بين عبادي و مشارق أحکامي بين خلقی عليهم بهائی و رحمتي و فضلي الّذي احاط الوجود در کتاب اقدس در اين مقام نازلشده آنچه که از آفاق کلماتش انوار بخشش الهی لامع و ساطع و مشرق است يا أغصانی در وجود قوّت عظيمه و قدرت کامله مکنون و مستور باو و جهت اتّحاد او ناظر باشيد نه باختلافات ظاهره از او وصيّت اللّه آنکه بايد اغصان و افنان و منتسبين طرّا بغصن اعظم ناظر باشند أُنْظُرُوا مَا أَنْزَلْنَاهُ فِی کِتَابِي الأَقْدَس إذا غيض بحر الوصال و قضي کتاب المبدأ فی المآل توجّهوا إلی من أراده اللّه الّذی انشعب من هذا الأصل القديم مقصود از اين آيه مبارکه غصن أعظم بوده کذلک أظهرنا الأمر فضلا من عندنا و أنا الفضّال الکريم قد قدّر اللّه مقام الغصن الأکبر بعد مقامه إنّه هو الأمر الحکيم قد اصطفينا الأکبر بعد الأعظم أمرا من لدن عليم خبير محبّت أغصان بر کل لازم و لکن ما قدّر اللّه لهم حقّا فی أموال النّاس يا أغصانی و أفنانی و ذوی قرابتی نوصيکم بتقوی اللّه و بمعروف و بما ينبغی و بما يرتفع به مقاماتکم براستی ميگويم تقوی سردار اعظم است از برای نصرت امر الهی و جنوديکه لايق اين سردار است اخلاق و اعمال طيّبه طاهره مرضيّه بوده و هست بگو ای عباد اسباب نظم را سبب پريشانی منمائيد و علّت اتّحاد را علّت اختلاف مسازيد اميد آنکه اهل بهاء بکلمه مبارکه قل کلّ من عند اللّه ناظر باشند و اينکلمه عليا بمثابه آبست از برای اطفاء نار ضغينه و بغضا که در قلوب و صدور مکنون و مخزون است احزاب مختلفه از اين کلمه واحده بنور اتّحاد حقيقی فائز ميشوند إنّه يقول الحقّ و يهدی السّبيل و هو المقتدر العزيز الجميل احترام و ملاحظه اغصان بر کلّ لازم لأعزاز امر و ارتفاع کلمه و اين حکم از قبل و بعد در کتب الهی مذکور و مسطور طوبی لمن فاز بما أمر به من لدن آمر قديم و همچنين احترام حرم و آل اللّه و أفنان و منتسبين و نوصيکم بخدمة الأمم و اصلاح العالم از ملکوت بيان مقصود عالميان نازلشد آنچه که سبب حيات عالم و نجات امم است نصايح قلم اعلی را بگوش حقيقی اصغا نمائيد إنّها خير لکم عمّا علی الأرض يشهد بذلک کتابي العزيز البديع